

شماره ۲۵۹۷

تاریخ ۲۱/۱/۷۴

پیوست در اسفند



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

بیت

شورای محترم نگهبان

لایحه شماره ۴۸۸۸/ل/۳۰ مورخ ۱۳۶۸/۵/۱ دولت در خصوص  
تشکیل دادگاههای عام که در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ  
۱۳۷۳/۱/۲۳ مجلس شورای اسلامی با اصلاحاتی در عنوان و متن  
به تصویب رسیده است در اجرای اصل نود و چهارم قانون  
اساسی جهت بررسی و اظهار نظر آن شورای محترم به پیوست  
ارسال می گردد.

علی اکبر ناطق نوری  
رئیس مجلس شورای اسلامی





جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

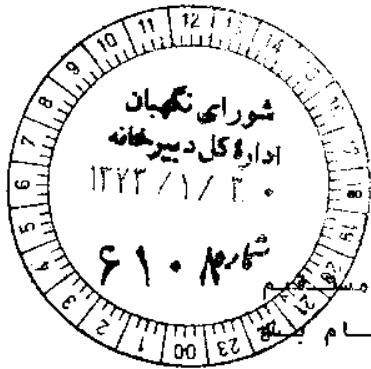
شماره ۲۵۹-۵

تاریخ ۲۹ اردیبهشت ۷۳

پوست دلس

بسم الله تعالی

## لایحه تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب



ماده ۱- به منظور رسیدگی و حل و فصل کلیه دعاوی و مراجعه مسوولین به قاضی و ایجاد مرجع قضائی واحد، دادگاههای با صلاحیت عام به شرح مواد آتی تشکیل میشوند.

ماده ۲- تاسیس دادگاههای عمومی در هر حوزه قضائی و تعیین قلمرو محلی و تعداد شعب دادگاههای مزبور به تشخیص رئیس قوه قضائیه است.

ماده ۳- با تاسیس دادگاههای عمومی در هر حوزه قضائی رسیدگی به کلیه امور مدنی و جزائی و امور حسبه بالحفاظ قلمرو محلی با دادگاههای مزبور خواهد بود.

تبصره ۱- حوزه قضائی عبارتست از قلمرو یک بخش یا شهرستان و یا نقاط معینی از شهرهای بزرگ.

تبصره ۲- رسیدگی به اموری که به حکم قانون به مرجع دیگری واگذار شده از دائره شمول این قانون خارج است.

تبصره ۳- حاکم دادگاه عمومی در دعاوی راجع به اصل نکاح و طلاق در صورتی صلاحیت رسیدگی دارد که اجازه مخصوص از طرف رئیس قوه قضائیه داشته باشد.

ماده ۴- به رئیس قوه قضائیه اختیار داده میشود در هر حوزه قضائی که لازم باشد بالحفاظ نوع دعاوی و تجربه و تبحر قضات هریک از قضات دادگاه عمومی را به رسیدگی به دعاوی: حقوقی، کیفری، احوال شخصیه و امثال آن اختصاص داده و حدود صلاحیت هریک از آنان را معین نماید.

ماده ۵- به تعداد مورد نیاز دادگاههای انقلاب، در مرکز هر استان و مناطقی که ضرورت تشکیل آنها را رئیس قوه قضائیه تشخیص میدهد تحت نظارت و ریاست اداری حوزه قضائی تشکیل میگردد، و به جرائم ذیل رسیدگی مینماید:

- ۱- کلیه جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی و محاربه یا اغساد فی الارض.
- ۲- توهین به مقام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری.

بسم الله تعالی

- ۲ -

- ۳- توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه و ترور، تخریب موسسات بمنظور مقابله با نظام .
  - ۴- جاسوسی به نفع اجانب .
  - ۵- کلیه جرائم مربوط به قاچاق و مواد مخدر .
  - ۶- دعاوی مربوط به اصل ۴۹ قانون اساسی .
- ماده ۶ - طرفین دعوا در صورت توافق می‌توانند برای احقاق حق و فصل خصومت، به قاضی تحکیم مراجعه نمایند.
- تبصره - شرایط قضاوت تحکیم و میزان و حدود صلاحیت و چگونگی کار آنان براساس آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط وزارت دادگستری تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.
- ۷- احکام دادگاههای عمومی و انقلاب قطعی است مگر در مواردی که در این قانون قابل نقض و تجدیدنظر پیش‌بینی شده است .
  - ۸- قضاوت دادگاههای عمومی و انقلاب مکلفند به دعاوی و شکایات و اعلامات موافق قوانین موضوعه و اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رسیدگی کنند و حکم قضیه مطروحه را صادر نمایند، و الا مستنکف از فصل خصومت و احقاق حق محسوب میشوند.
  - ۹- قرارها و احکام دادگاهها باید مستدل بوده و مستند به قانون یا شرع و اصولی باشد که بر مبنای آن حکم صادر شده است. تخلف از این امر و انشاء رای بدون استناد موجب محکومیت انتظامی خواهد بود.
  - ۱۰- هر حوزه قضائی به تعداد لازم شعبه دادگاه، قاضی تحقیق، دفتر دادگاه، واحد ابلاغ و اجراء احکام و در صورت لزوم یک واحد ارشاد و معاضدت قضائی خواهد داشت و در صورت تعدد شعب دارای یک دفترکل نیز خواهد بود.
- تبصره - ترتیب تشکیل این واحدها، تعداد اعضای هر واحد، طریقه انتخاب و شرایط آن، میزان صلاحیت و اختیار هر واحد یا هر یک از اعضای آن و نحوه اقدامات و تصمیم‌گیریها به موجب

بسمه تعالی

- ۳ -

آئین‌نامه‌ای است که به پیشنهاد و تهیه وزیر دادگستری به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید.

ماده ۱۱- رئیس شعبه اول دادگاههای عمومی در هر حوزه قضائی، رئیس حوزه قضائی است و با تصویب رئیس قوه قضائیه می‌تواند به تعداد لازم معاون داشته باشد.

ماده ۱۲- رئیس حوزه قضائی هر شهرستان به عنوان رئیس دادگستری آن شهرستان بر کلیه دادگاههای عمومی و انقلاب نظارت و ریاست اداری دارد و همچنین رئیس دادگستری شهرستان مرکز استان نظارت و ریاست اداری بر امور دادگستری‌های شهرستانهای حوزه آن استان را خواهد داشت.

تبصره - امور حسبه و کلیه اختیاراتی که در سایر قوانین بعهده دادستان عمومی بوده به جز اختیاراتی که به موجب این قانون به روسای محاکم تفویض شده است به رئیس دادگستری شهرستان و استان محول می‌شود.

ماده ۱۳- نیروی انتظامی هر حوزه قضائی اعم از بخش یا شهرستان در مقام ضابط دادگستری تحت ریاست و نظارت رئیس همان حوزه انجام وظیفه نموده و مکلف به اجرای دستورات مقام قضائی می‌باشد.

ماده ۱۴- دادگاههای عمومی با حضور رئیس شعبه یا دادرس علی‌البدل تشکیل میشود و تمامی اقدامات و تحقیقات ضروری از بدو تا ختم قضیه وسیله حاکم دادگاه صورت خواهد گرفت همچنین اظهار نظر قضائی و انشاء رای با او است.

تبصره ۱- رعایت دستوراین ماده مانع از آن نیست که با لحاظ موازین شرع و قانون پاره‌ای از اقدامات و تحقیقات و تصمیمات به دستور و زیر نظر حاکم دادگاه وسیله قضات تحقیق بعمل آید یا بعضی از اقدامات و تحقیقات به همین ترتیب توسط ضابطین دادگستری یا مراجع ذیصلاح دیگر انجام شود.

تبصره ۲- هرگاه تحقیق یا اقدامی در حوزه دادگاه دیگری لازم باشد یا اطلاعاتی از حوزه قضائی آن دادگاه باید جمع آوری شود

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- ۴ -

دادگاه رسیدگی کننده می‌تواند با اعطاء نیابت قضائی از دادگاه آن حوزه انجام آن تحقیقات و اقدامات یا جمع‌آوری اطلاعات رایخواهد.

ماده ۱۵- قضات تحقیق تحت نظارت قضات دادگاههای حوزه قضائی عهده‌دار انجام کلیه اموری هستند که در جریان تعقیب و رسیدگی و اجرا به آنان ارجاع میشود.

ماده ۱۶- ترتیب رسیدگی در دادگاهها طبق مقررات مزبور در آئین دادرسی مربوط به دادگاهها خواهد بود.

ماده ۱۷- قاضی دادگاه پس از اعلام ختم دادرسی ظرف یک‌هفته مکلف به انشاء رای میباشد.

ماده ۱۸- آراء دادگاههای عمومی و انقلاب اعم از حکم یا قرار در موارد مذکور در مواد آتیه قابل تجدید نظر میباشد.

۱- قاضی صادرکننده رای متوجه اشتباه رای خود شود.

۲- قاضی دیگری پی به اشتباه رای صادره ببرد بنحوی که اگر به قاضی صادرکننده رای تذکر دهد متنبه گردد.

۳- ثابت شود قاضی صادر کننده رای صلاحیت رسیدگی و انشاء رای را نداشته است.

تبصره - در مورد بندهای ۱ و ۲ مرجع تجدیدنظر رای را نقض و رسیدگی می‌نماید و در مورد بند ۳ مرجع تجدیدنظر بدوا به اصل ادعای عدم صلاحیت رسیدگی و در صورت احراز، رسیدگی مجدد را انجام خواهد داد.

ماده ۱۹- علاوه بر موارد مذکور در ماده ۱۸ آرای زیر نیز قابل تجدیدنظر میباشد تا چنانچه مرجع تجدیدنظر پس از رسیدگی پی به اشتباه بین حکم و یا عدم صلاحیت دادگاه ببرد رای را نقض و رسیدگی مجدد نماید.

الف - احکام :

۱- اعدام و رجم .

۲- حدود ، قصاص نفس و اطراف .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- ۵ -

- ۳- مصادره و ضبط اموال .
  - ۴- دیه بیش از خمس دیه کامل .
  - ۵- در صورتیکه حداکثر مجازات قانونی جرم بیش از ۶ ماه حبس یا شلاق یا بیش از یک میلیون ریال جزای نقدی باشد.
  - ۶- حکمی که خواسته آن از یک میلیون ریال متجاوز باشد.
  - ۷- حکمی که مستند به اقرار خوانده در دادگاه نباشد.
  - ۸- حکمی که مستند به رای یک یا چند نفر کارشناس که طرفین کتبا رای آنان را قاطع دعوی قرار داده باشند، نباشد.
  - ۹- طرفین دعوی کتبا حق تجدیدنظر خواهی خود را ساقط نکرده باشند.
  - ۱۰- حکم راجع به متفرعات دعوی در صورتیکه حکم راجع به اصل دعوی قابل تجدیدنظر باشد.
  - ۱۱- حکم راجع به نکاح و طلاق و فسخ نکاح و مهر.
  - ۱۲- حکم راجع به نسب و وصیت و وصایت و وقف و ثلث و حبس و تولیت.
  - ۱۳- حکم راجع به حجر و رفع حجر.
- ب- قرارهای زیر در صورتیکه حکم راجع به اصل دعوی قابل تجدیدنظر باشد :
- ۱- قرار ابطال دادخواست یا رد دادخواست که از دادگاه صادر شود.
  - ۲- قرار رد دعوی یا عدم استماع دعوی .
  - ۳- قرار سقوط دعوی .
  - ۴- قرار عدم اهلیت یکی از طرفین دعوی .
- تبصره - احکامی که در مرحله تجدیدنظر صادر میشود . "بجز در خصوص رای اصراری" قابل تجدیدنظر مجدد نیست .
- ماده ۲۰- بمنظور تجدیدنظر در آراء دادگاههای عمومی و انقلاب در مرکز هر استان دادگاه تجدیدنظر تشکیل خواهد شد.

بسمه تعالی

- ۶ -

دادگاه تجدیدنظر از یک نفر رئیس و دو عضو مستشار تشکیل و رای اکثریت قطعی و لازم الاجراء میباشد.

تبصره - رئیس دادگاه تجدیدنظر میتواند رئیس شعبه اول دادگاههای عمومی نیز باشد مگر در مورد احکامی که خود صادر نموده که در این صورت دادرس علی‌البدل به قائم مقامی رئیس رسیدگی خواهد کرد.

ماده ۲۱- مرجع تجدیدنظر آراء دادگاههای عمومی و انقلاب هر شهرستان دادگاه تجدیدنظر مرکز همان استان است مگر در موارد ذیل که مرجع تجدیدنظر آن دیوانعالی کشور خواهد بود.

۱- اعدام و رجم .

۲- قطع عضو و قصاص نفس و اطراف .

۳- مصادره و ضبط اموال .

۴- مجازات حبس بیش از ده سال .

۵- حکمی که خواسته آن از بیست میلیون ریال متجاوز باشد.

۶- احکام راجع به اصل نکاح و طلاق .

۷- احکام راجع به نسب و وقف و حبس و تولیت .

ماده ۲۲- هرگاه از رای دادگاه عمومی و انقلاب در اموری که در صلاحیت دادگاه تجدیدنظر است درخواست تجدیدنظر شود دادگاه مزبور به ترتیب زیر عمل خواهد نمود.

۱- اگر رای دادگاه بصورت قرار باشد و قرار نقض شود پرونده را برای رسیدگی ماهوی بهمان دادگاه ارجاع میدهد و دادگاه مکلف به رسیدگی ماهوی میباشد.

۲- اگر رای دادگاه بصورت حکم باشد و حکم مورد تأیید قرار گیرد بمنظور اجراء به دادگاه صادرکننده حکم اعاده میگردد و چنانچه حکم را نقض نماید پرونده برای رسیدگی مجدد به شعبه دیگر ارجاع خواهد شد.

تبصره - چنانچه رئیس دادگاه تجدیدنظر ریاست شعبه اول دادگاههای عمومی را عهده‌دار باشد ارجاع توسط دادگاه تجدیدنظر انجام میگردد و در غیر این صورت پرونده پس از نقض بمنظور

بسمه تعالی

- ۷ -

ارجاع به نظر رئیس شعبه اول خواهد رسید.

۳- در صورتیکه متهم بی‌گناه شناخته شود حکم را نقض و متهم تبرئه خواهد شد هر چند محکوم علیه درخواست تجدیدنظر نکرده باشد.

۴- اگر حکم تجدیدنظر خواسته از نظر احتساب محکوم به یا خسارات یا تعیین مشخصات طرفین دعوی یا تعیین نوع و میزان مجازات و تطبیق عمل با قانون و یا نقایص نظیر آنها که متضمن اشتباهی باشد که به اساس حکم نطمه وارد نسازد دادگاه تجدیدنظر یا دیوان عالی کشور که در مقام تجدیدنظر عمل میکند اشتباه را رفع و رای را تأیید خواهد نمود.

تبصره ۱- در امور حقوقی مرجع تجدیدنظر فقط نسبت به آنچه مورد درخواست تجدیدنظر واقع شده است رسیدگی خواهد نمود و نسبت به آن قسمت که مورد درخواست تجدیدنظر نمی‌باشد حق رسیدگی و اظهار نظر ندارد.

تبصره ۲- در احکام کیفری مرجع تجدیدنظر نمی‌تواند مجازات تعزیری مقرر در حکم بدوی را تشدید نماید.

۵- هرگاه در تعیین مجازات سهواً به ماده دیگری استناد شده ولی از این اشتباه تغییری در مجازات حاصل نشده باشد مرجع تجدیدنظر حکم را تأیید و تذکر لازم به دادگاه داده خواهد شد.

ماده ۲۳- دیوان عالی کشور در مورد درخواست تجدیدنظر به ترتیب زیر اقدام می‌نماید:

۱- اگر حکم مطابق قانون و دلائل موجود در پرونده باشد آنرا تأیید و جهت اجراء به دادگاه صادرکننده حکم اعاده می‌گردد.

۲- هرگاه رای از دادگاه فاقد صلاحیت ذاتی صادر شده باشد یا برخلاف قانون صادر شده یا رعایت تشریفات قانونی در آن نشده باشد و عدم رعایت تشریفات مذکور به درجه‌ای از اهمیت باشد که رای را از اعتبار قانونی بیاندازد یا بدون توجه به دلائل یا مدافعات اصحاب دعوی یا بانقص تحقیقات صادر شده باشد رای را نقض و به شرح زیر اقدام می‌نماید:

الف - اگر عملی که محکوم علیه به اتهام ارتکاب آن محکوم



## بسم تعالی

- ۸ -

شده است به فرض ثبوت، جرم نباشد یا مشمول عفو عمومی شده باشد یا به جهتی دیگر از جهات قانونی قابل تعقیب نباشد رای نقض بلاارجاع می‌گردد.

ب - اگر رای منقوض، قرار باشد یا حکم بعلت نقض تحقیقات نقض شود پس از نقض برای رسیدگی مجدد به همان دادگاه صادرکننده رای ارجاع می‌شود.

ج - اگر رای یا حکم بعلت عدم صلاحیت ذاتی دادگاه نقض شود پرونده به دادگاهی که دیوانعالی کشور صالح می‌داند ارجاع و دادگاه مرجوع الیه مکلف به رسیدگی می‌باشد.

د - در سایر موارد پس از نقض، پرونده به شعبه دیگر دادگاه (به تشخیص دیوانعالی کشور) ارجاع می‌گردد.

تبصره - در مواردی که دیوانعالی کشور حکم را بعلت نقض تحقیقات نقض می‌نماید مکلف است کلیه نواقص تحقیقات را مشروحا ذکر نماید.

ماده ۲۴ - مرجع رسیدگی پس از نقض در دیوانعالی کشور بشرح ذیل اقدام می‌نماید:

الف - در صورت نقض قرار در دیوانعالی کشور، باید از نظر دیوان متابعت نماید و وارد رسیدگی ماهوی شود.

ب - در صورت نقض حکم بعلت نقض تحقیقات، باید تحقیقات مورد نظر دیوان را انجام دهد سپس مبادرت به انشاء حکم نماید.

ج - در صورت نقض حکم در غیر موارد مذکور دادگاه می‌تواند رای اصراری صادر نماید اگر یکی از کسانی که حق درخواست تجدیدنظر دارد تقاضای تجدیدنظر نماید پرونده مجددا در دیوانعالی کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد، هرگاه شعبه دیوانعالی کشور استدلال دادگاه را بپذیرد حکم را ابرام می‌نماید و در غیر این صورت پرونده در هیات عمومی شعب حقوقی یا کیفری دیوانعالی کشور حسب مورد مطرح و چنانچه نظر شعبه دیوانعالی کشور مورد تایید قرار گرفت حکم نقض و پرونده به شعبه دیگر دادگاه ارجاع خواهد شد

## بیتعالی

- ۹ -

دادگاه مرجوع الیه با توجه به استدلال هیات عمومی دیوانعالی کشور حکم مقتضی صادر و این حکم قطعی است مگر در موارد سهگانه‌ای که در ماده ۱۸ این قانون ذکر گردیده است.

ماده ۲۵ - جهات درخواست تجدیدنظر به قرار زیر است:

- ۱- ادعای عدم اعتبار مدارک استنادی دادگاه یا دروغ بودن شهادت شهود یا فقدان شرایط قانونی شهادت، درشهود.
- ۲- ادعای مخالف بودن رای با قانون.
- ۳- ادعای عدم صلاحیت دادگاه یا عدم صلاحیت قاضی صادرکننده رای.

۴- ادعای عدم توجه قاضی به دلائل یا مدافعات.

تبصره - اگر درخواست تجدیدنظر به استناد یکی از جهات مذکور در این ماده بعمل آمده باشد مرجع تجدیدنظر در صورت وجود جهتی دیگر میتواند به آن جهت هم رسیدگی نماید.

ماده ۲۶- در موارد مذکور در ماده قبل اشخاص زیر حق درخواست تجدیدنظر را دارند:

- ۱- در مورد احکام حقوقی:  
محکوم علیه یا نماینده قانونی یا قائم مقام او مانند وراثت، وصی، انتقال گیرنده که از رای دادگاه متضرر می‌شود.
- ۲- در مورد احکام کیفری:

الف - محکوم علیه یا نماینده قانونی او.

ب - شاکی خصوصی یا نماینده قانونی او از جهت برائت متهم یا از حیث ضرر و زیان.

۳- در مورد قرارها:

هریک از طرفین دعوی که قرار دادگاه به ضرر او صادر شده باشد یا نماینده قانونی آنان.

ماده ۲۷ - مهلت درخواست تجدیدنظر در موارد مذکور در ماده ۱۹ برای اشخاص ساکن ایران ۲۰ روز و برای کسانی که خارج از کشور می‌باشند ۲ ماه از تاریخ ابلاغ رای می‌باشد.

ماده ۲۸- متقاضی تجدیدنظر باید دادخواست و یا درخواست خود

بسم الله

- ۱۰ -

را ظرف مهلت مقرر به دفتر دادگاه صادرکننده رای و یا دفتر بازداشتگاهی که در آنجا توقیف است تسلیم نماید.

مدیر دفتر دادگاه یا بازداشتگاه باید بلافاصله آن را مثبت و رسیدی مشتمل بر نام متقاضی و طرف دعوی و تاریخ تسلیم و ذکر شماره ثبت به تقدیم کننده بدهد و در روی کلیه برگهای دادخواست یا درخواست تجدیدنظر همان تاریخ را قید نماید. این تاریخ، تاریخ تجدیدنظرخواهی محسوب می گردد.

دفتر بازداشتگاه مکلف است که پس از ثبت تقاضای تجدیدنظر بلافاصله آن را به دادگاه صادرکننده رای ارسال نماید دفتر دادگاه صادرکننده رای در صورتی که تقاضای تجدیدنظر در مهلت قانونی باشد پس از تکمیل پرونده بلافاصله آنرا به مرجع تجدیدنظر ارسال می دارد.

تبصره ۱- دادگاه باید در ذیل رای خود قابل تجدیدنظر بودن یا نبودن رای و مرجع تجدیدنظر آن را معین نماید.

تبصره ۲- هرگاه نزد دادگاه تجدیدنظر ثابت شود که به علت قوه قهریه امکان استفاده از حق تجدیدنظرخواهی در مهلت های مقرر نبوده است، ابتدای مهلت از تاریخ رفع قوه قهریه خواهد بود.

تبصره ۳- متقاضی تجدیدنظر در آراء کیفری باید مبلغ ده هزار ریال بابت هزینه دادرسی بپردازد و در آراء حقوقی هزینه دادرسی برابر مقررات آیین دادرسی مدنی خواهد بود.

ماده ۲۹- متقاضی تجدیدنظر باید تمام علل و جهات تقاضای خود را در دادخواست یا درخواست تجدیدنظر تصریح نماید مگر اینکه آن جهت بعدا حادث شده باشد که در صورت اخیر می تواند برابر مقررات اعاده دادرسی اقدام کند.

ماده ۳۰- در صورتی که تقاضای تجدیدنظر ظرف مهلت مقرر داده شده باشد اجرای حکم در امور کیفری تا اتخاذ تصمیم مرجع تجدیدنظر متوقف خواهد شد.

ماده ۳۱- محکوم علیه می تواند احکام قطعی یافته هر یک از محاکم را که قابل تجدیدنظر بوده در صورتی که دیوان عالی کشور در مقام تجدیدنظر رسیدگی نکرده باشد از تاریخ ابلاغ حکم تا یک ماه

بسم الله

- ۱۱ -

از دادستان کل کشور درخواست رسیدگی بنماید. دادستان کل کشور در صورتی که حکم را مخالف بین با شرع یا قانون تشخیص دهد از دیوانعالی کشور درخواست نقض می‌نماید. دیوان عالی کشور در صورت نقض حکم رسیدگی را به دادگاه هم‌عرض ارجاع می‌دهد. رای دادگاه در غیر موارد مذکور در ماده ۱۸ غیرقابل اعتراض و تجدیدنظر است.

ماده ۳۲ - تشخیص صلاحیت یا عدم صلاحیت هر دادگاه نسبت به دعوی مطروحه با همان دادگاه است.

ماده ۳۳ - در صورتی که دادگاه رسیدگی کننده خود را صالح به رسیدگی نداند با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را به دادگاه ذیصلاح ارسال می‌نماید، چنانچه دادگاه مرجوع الیه ادعای عدم صلاحیت را نپذیرد پرونده جهت حل اختلاف توسط دادگاه مرجوع الیه به دادگاه تجدیدنظر استان ارسال می‌شود.

تبصره - در صورتی که اختلاف صلاحیت بین دادگاههای دو حوزه قضایی از دو استان باشد مرجع حل اختلاف دیوانعالی کشور خواهد بود.

ماده ۳۴ - از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون رئیس قوه قضائیه مکلف است حداکثر ظرف مدت پنج سال با تشکیل تدریجی دادگاههای عمومی و انحلال دادرهای عمومی و انقلاب و اتخاذ تصمیمات ضروری در زمینه تعلیم و تربیت نیروی قضائی واجد شرایط موجبات اجرای این قانون را در سراسر کشور فراهم نماید.

ماده ۳۵ - دادگستری مجاز است به منظور تکمیل اعضاء دفتری دادگاههای عمومی و انقلاب نسبت به استخدام کارمندان اداری به تعداد لازم اقدام کند اجازه مذکور صرفاً برای تشکیلات مربوط به دادگاههای عمومی است.

ماده ۳۶ - دولت مکلف است در اسرع وقت امکان تهیه وسایل و تجهیزات لازم دادگاههای عمومی از قبیل محل استقرار، ملزومات و وسایل نقلیه و دیگر لوازم و وسایل فراهم کند و اعتبار لازم مربوطه برای این وسایل و تجهیزات را در اختیار دادگستری قرار دهد.

ماده ۳۷ - آیین‌نامه اجرایی این قانون حداکثر ظرف مدت سه ماه توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید.



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۲۵۹-۵

تاریخ ۲۶ اردیبهشت ۷۳

پست

بسم تعالی

- ۱۲ -

ماده ۳۸ - از تاریخ تشکیل دادگاه عمومی و انقلاب در هر حوزه قضائی کلیه قوانین و مقررات منافی با آن در همان حوزه لغو می‌گردد.

لایحه فوق مشتمل بر سی و هشت ماده و بیست تبصره در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ بیست و سوم فروردین ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و سه به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.

علی‌اکبر ناطق‌نوری

رئیس مجلس شورای اسلامی

نذرف